

در پشت پرده چه میگذرد؟

مختصری از قرارداد یک پروژه امپریالیستی

پیشگفتار



سندی که به تازه‌گی به دستمان رسیده، مربوط به قرار داد آسفالت سرک هرات - قندهار می باشد و تاریخ این سند ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی است، که در بخش‌های معینی از آن مسائلی ذکر گردیده که حائز اهمیت است و نیاز به بررسی دارد. این قرار داد بطور مطلق اهداف اشغالگرانه امپریالیست‌ها را در منطقه و بخصوص افغانستان بخوبی بیان می نماید.

این قرارداد که از طرف کمپنی لوئیس برجر (Louis Berger Group) در مسیر شاهراه هرات - قندهار به قیمت تقریبی ۳۰۰ میلیون دالر به امضاء رسیده بود، برای پنج کمپنی خصوصی دیگر به اجاره داده شده بود که در راس آن خود کمپنی لوئیس برجر بخاطر نظارت از نحوه اجرای قرارداد قرار داشت.

درین جزوه مختصر، میخواهیم به گوشه‌ای از متن قرارداد کمپنی لوئیس برجر با کمپنی‌های قراردادی‌اش (Prime Contractors) اشاره‌ای داشته باشیم.

اما قبل از آن باید خاطر نشان ساخت که صدور سرمایه‌های اشغالگرانه امپریالیستی به کشور، زمینه‌ای را به بار آورد تا کمپنی‌های خصوصی خارجی در پیوند تنگاتنگ استثمار نیمه فئودالی و کمپرادوری به افغانستان بتوانند سودهای هنگفتی را به دست آورند. این سیاست ناشی از سیاست غارتگرانه و چپاول‌گرانه امپریالیست‌های اشغالگر و در راس آن اشغالگران امپریالیست امریکایی میباشد.

امپریالیست‌های اشغالگر یانکی که به تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۰۱ میلادی به کشور عزیز ما حمله‌ور گردیدند و این کشور را به مستعمره تمام عیار خویش بدل ساختند، از همان آوان تهاجم نظامی و لشکرکشی لجام گسیخته‌شان بخاطر حفظ نظام تحت سلطه‌شان و بخاطر تداوم اشغالگری امپریالیستی‌شان در کشور و حضور دوام مدت‌شان در افغانستان تمام شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و مردمان کشور را تحت کنترل خویش گرفتند و مطابق به اهداف اشغالگرانه و غارتگرانه امپریالیستی‌شان در افغانستان دست به بازسازی مستعمراتی - نیمه

فئودالی زدند و تمام زیرساخت‌های نظام سیاسی - اقتصادی کشور را مطابق به اهداف غارتگرانه‌شان بازسازی مستعمراتی - نیمه فئودالی نمودند.

اشغالگران امپریالیست در کشور نه تنها به شکلهی رژیم‌ی مزدور و سرسپرده اکتفاء نکردند بلکه در کنار آن اقتصاد مستعمراتی را ایجاد نموده و کوشش دارند آنرا تقویت کنند؛ فرهنگ سلطه‌پذیری را در کشور بوجود آورده و میخواهند آنرا رشد دهند.

نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی که اشغالگران امپریالیست به شکل دهی آن پرداختند، دربرگیرنده استعمار نیمه فئودالی و کمپرادوری‌ای است که در نهایت به غارت امپریالیستی در افغانستان و منطقه ختم میگردد. این غارتگری اشغالگرانه در ذات و سرشت این نظام منحن ریشه دارد.

ما درین جزوه مختصر که به گوشه‌ای از قرارداد امپریالیستی اشاره میکند، نشان خواهیم داد که امپریالیست‌های اشغالگر به چه شکل و شیوه‌ای این غارتگری را انجام میدهند.

ما با مطالعه این جزوه مختصر به خوبی خواهیم دید که درین نظام فریبکارانه، چگونه اشغالگری کمک بین المللی خوانده میشود و چگونه استبداد مستعمراتی - نیمه فئودالی لقب دموکراسی را بخود اختیار کرده است.

ما با مطالعه این جزوه مختصر خواهیم دید که چگونه غارت، بازسازی خوانده میشود و چگونه ستم با نام آزادی اعمال میگردد.

درین نظام غارتگرانه، استثمارگرانه و ستمگرانه، آنچه را که توده‌های ستمدیده به آن میرسند فقر و رنج و محرومیت است و بس.

در جزوه "اصطلاحات سیاسی" حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مستعمره چنین تعریف گردیده است:

"مستعمره: یعنی سرزمین فاقد استقلال سیاسی و اقتصادی که کاملاً در همه شئون تابع دولت امپریالیستی استیلاگر است. این دولت و انحصارات امپریالیستی آن از مستعمره به عنوان منبع مواد خام و نیروی کار ارزان و بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه‌گذاری‌های پرسود و همچنان به مثابه پایگاه‌های نظامی و سوق الجیشی استفاده می‌کنند." (تاکیدات از ماست)

قرارداد آسفالت سرک هرات - قندهار نیز یکی از همین بخش عرصه سرمایه‌گذاری‌های پرسود، نیروی ارزان کار، بازار فروش کالاها و منبع مواد خام و استفاده از پروژه زیربنائی آن به مثابه استفاده‌های سوق الجیشی و استراتژیک در خدمت تداوم اشغال و نیروهای اشغالگر امپریالیست در کشور محسوب میشود.

در ذیل به بخش‌های مختصر، اما مهمی ازین قرارداد اشاره‌ای خواهیم داشت تا ذهن خواننده بتواند به مفاهیم مندرج این گونه قراردادهای امپریالیستی روشن شود.

قبل از آن معلومات مختصری راجع به خود کمپنی لویس برجر (LBG):

لویس برجر با نام رسمی (Berger Group Holdings) مسمی است. این کمپنی در سال ۱۹۵۳ میلادی تاسیس گردیده و در مورستورونا، نیوجرسی امریکا موقعیت دارد. این کمپنی در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی لقب سومین کمپنی آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا (United States Agency for International Development) را از آن خود ساخت و هم‌اکنون بیش از ۶۰۰۰ مستخدم در بیش از ۵۰ کشور جهان دارد و بعنوان یکی از کمپنی‌های سکتور خصوصی ایالات متحده مشهور است و در خدمت فعالیت‌های فدرال امریکا، دولت امریکا و کمپنی‌های نظامی خصوصی ایالات متحده امریکا قرار دارد. در سال ۲۰۱۵ میلادی کمپنی لویس برجر لقب بهترین کمپنی را در ایالات متحده از آن خود ساخت و سپس رفع مشکلات مالی خود را با پرداخت هزینه‌های قرارداد از چینل پروژه‌هایی که در افغانستان روی دست گرفته بود، انجام داد.

دوسیه کلاهبرداری "لویس برجر" در افغانستان:

کمپنی لویس برجر، در نوامبر ۲۰۱۰، موافقت کرد که مبلغ ۶۹,۳ میلیون دالر را برای دولت ایالات متحده امریکا پرداخت کند تا رفع اتهام تقلب علیه دولت ایالات متحده امریکا صادر شود. این پرونده که توسط خبرنگار نیویورک تایمز بنام جیمز رایزن (JAMES RISEN) به تاریخ ۵ نوامبر ۲۰۱۰ ارائه شده بود، ادعا کرد که این کمپنی از دولت ایالات متحده امریکا هزینه‌های داخلی‌ای را که به قراردادهای بازسازی خود در افغانستان مربوط نیست، پرداخت می‌کند. خبر منتشره جمزرایزن را میتوانید از سایت مربوطه اش در لینک ذیل، دانلود کنید:

<http://www.nytimes.com/2010/11/06/world/asia/06contractor.html>

دوسیه رشوه ستانی در هند، ویتنام، اندونزیا و کویت:

کمپنی لویس برجر، در سال ۲۰۱۰ میلادی همچنان به رشوه ستانی بالغ بر ۳,۹ میلیون دالر از مقامات دولتی هند، اندونزیا، ویتنام و کویت متهم گردیده بود.

توافقنامه حل و فصل این رشوه ستانی با وزارت عدلیه ایالات متحده آمریکا در ماه جولای ۲۰۱۵ میلادی، منجر به این گردید تا کمپنی لوئیس برجر مسئولیت کیفری را پذیرفت و موافقت کرد که مجازات ۱۷.۱ میلیون دالر را به دولت ایالات متحده آمریکا پرداخت کند.

سند متذکره را میتوانید از سایت مربوطه اش در لینک ذیل، دانلود کنید:

<https://blogs.wsj.com/riskandcompliance/2015/07/17/louis-berger-to-pay-17-1-million-to-settle-bribery-charges>

دوسیه‌های متعددی ازین دست میتواند عبارت "سیستم مستعمراتی امپریالیزم" یعنی مجموعه همه مستعمرات، نیمه مستعمرات و ممالک وابسته که توسط امپریالیست‌ها مورد بهره‌کشی قرار گرفته و تحت تسلط آنان قرار دارند، را افشاء نماید.

ما درین جزوه مختصر که به گوشه‌ای از قرارداد امپریالیستی اشاره میکند، وضاحت مطالب فوق را خواهیم یافت.

اسناد قرارداد

(Bidding Document)

جلد دوم – اسناد قراردادی شامل ۲۴۰ صفحه میباشد و تحت نام ذیل یاد میگردد:

<p style="text-align: center;">PHASE ONE (I)</p> <p style="text-align: center;">Kandahar To Herat Highway Improvement Project</p> <p style="text-align: center;">Package Two (II)</p> <p style="text-align: center;">Renovation and Reconstruction Km 356+000 to 406+000</p>
--

این قرارداد ۲۴۰ صفحه ای شامل ۱۲ فصل به قرار ذیل است.

- (۱) فصل اول: رهنمود برای داوطلبان مناقصه
 - **Instruction to Bidders**
- (۲) فصل دوم: معلومات مناقصه
 - **Bidding Data**
- (۳) فصل سوم: شرایط قرارداد – بخش اول: شرایط عمومی
 - **Condition of Contract – Part one (I) – General Condition**
- (۴) فصل چهارم: بخش دوم – شرایط قرارداد – شرایط درخواستهای خصوصی
 - **Part II – Condition of Contract – Condition of Particular Application**
- (۵) فصل پنجم: مشخصات تخنیکی
 - **Technical Specification**
- (۶) فصل ششم: فورم های مناقصه
 - **Form of Bidding**
- (۷) فصل هفتم: احجام کاری (BoQ)
 - **Bills of Quantity**
- (۸) فصل هشتم: فورم های توافقی و ضمانتی
 - **Form of Agreement and Guarantee**
- (۹) فصل نهم: برنامه های تقسیم اوقات معلومات کمکی
 - **Schedules of Supplementary Information**
- (۱۰) فصل دهم: لست طرح های قراردادی

List of Contract Drawing -

(۱) فصل یازدهم: تقسیم اوقات نسبتی

Schedule of Rate ... -

(۱۲) فصل دوازدهم: تحقیقات و سروی؛ که در برگیرنده تحقیقات خاک و تست های مربوطه است.

Investigation and Survey ... -

از دوازده فصل فوق مسائل ذیل اهداف اشغالگرانه امپریالیست ها را بطور دقیق و روشن بیان می نماید، به این دلیل آنرا مورد بررسی قرار می دهیم:

(۱) در فصل اول - بخش اول - صفحه ۱ - بخش عمومیات، شماره ۳ - آمده است:

« تمام قراردادی های لويس برجر (LBG) نباید از کشورهایی که ذیلا تحریر میگردد مواد، مصالح ساختمانی، شرایط ترانسپورتی، استخدام کارمندان ساحوی و غیرساحوی، کارگران فنی و غیرفنی، جهت پیشبرد امور کاری پروژه در نظر بگیرند. این کشورها قرار ذیل میباشند:

Burma - برما -

Myanmar - میانمار -

Coba - کوبا -

Iran - ایران -

Iraq - عراق -

Libya - لیبیا -

North Korea - کره شمالی -

Syria - سیریا -

Sudan - سودان -

Zimbabwe - زیمبابوه -

کشورهای فوق از هر لحاظ تحت تحریم اقتصادی خواهند بود. «

“Section (1)

Instruction to Bidders

A. General - No. 3 (Eligible bidders)

Page 1 of 13 “

(۲) در فصل اول - بخش دوم - صفحه ۱ - بخش وسعت کاری، جزء A - آمده است:

«از دیاد عرض سرک فعلی از ۷,۳ متر به ۱۲ متر با در نظر داشت تمام کارهای زمینی و سیستم جویچه کشی دو بغل سرک Side drainages و همچنان منابع کاری، نصب، احیاء و بازسازی، اعمار و ساختمان، تست‌های لابراتواری، خدمات فنی و غیرفنی تحت شرایط ذیل اجراء خواهد شد:

- ۱- از قسمت میدان هوائی شیندند الی فراه رود بطول ۱۰۰ کیلومتر یعنی از استیشن (Sta. 456) الی استیشن (Sta. 356) تمام تخته‌های کانکریتی سرک شکسته شود و تحت شرایط ذیل اجراء شود:
 - a. 50mm آسفالت سطحی (Wearing Course) در عرض ۷ متر عرض موثر سرک
 - b. 150mm آسفالت تحتانی (Asphalt Treated Base (ATB) در عرض ۷ متر عرض موثر سرک
 - c. 200mm جغل ریگریشن شده Crushed Aggregate Base به عرض ۱۱ متر
 - d. 250mm جغل کلان دانه لایه تحتانی Crushed Aggregate Sub Base به عرض ۱۱ متر
 - e. 200mm عرض شانه‌های دوطرفه سرک و آسترکاری از قیر تحت دولایه دبل در دو طبقه منظم با عنوان (Double Bituminous Surface Treatment = DBST)

تمام کارهای فوق با در نظر داشت ساخت تمام پل‌ها، پلچک‌ها، آبروهای عرضی، هموارکاری ساحه، کارهای خدماتی به مبلغ مجموعی (50,826,780.97 US\$) پنجاه میلیون و هشتصد و بیست و شش هزار و هفتصد و هشتاد اعشاریه نود و هفت دالر امریکایی بطول ۱۰۰ کیلومتر در نظر گرفته شده است. »

۳) در فصل چهارم - شرایط قراردادی - بخش دوم - شرایط درخواست‌های خصوصی
بخش تعهدات عمومی، شرط فرعی شماره ۸۰۳ صفحه ۹ آمده است:

« به اساس مکتوب رسمی تصویب شده ایالات متحده امریکا و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID) - تمام قراردادی‌های دفتر لویس برجر (LBG) مکلف به انجام تمام توافق‌نامه‌های قرارداد شده می‌باشند، این توافقات فی مابین جانبین در زمینه تحریم اقتصادی کشورهای است که ذیلاً تحریر میگردد و تمامی قراردادی‌ها مکلف به رعایت نکات ذیل خواهند بود:

خرید هرگونه آذوقه، رساندن هر گونه منفعت به منابع داخلی این کشورها و منابعی که از قبلا در این کشورها موجود بوده باشد، و یا تمام کشورهایی که خودشان تولید کننده باشند و بازار تولیدی داشته باشند و یا تولیدات آنها از طرف اداره دارائی‌های خارجه - دیپارتمنت ذخایر امریکا - تحت کنترل و

مراقبت جدی و منظم بنا به صادراتی که امریکا دارد قرار گرفته باشند، بصورت کل منع و تحریم می باشند. کشورهای مورد نظر قرار ذیل هستند:

برما ، میانمار، کوبا، ایران، عراق، لیبیا، کره شمالی، سیریلانکا، سودان و زیمبابوه.

قراردادی‌ها مکلف اند تا موضوعات فوق را در قراردادهائی که در صورت لزوم با NGO (انجوها)ی داخلی یا شرکت‌های قراردادی‌شان در کشور عقد میکنند درج و تاکید نموده و کنترل و نظارت دقیق نمایند. «

“United State Agency for International Development (USAID)
Section (IV)
Condition of Contract
Part (II): Condition of Particular Application
General Obligations
Sub Clause 8.3
Page 9 of 73 “

(۴) در فصل چهارم – صفحه ۱۹ ، شرط فرعی شماره ۱۶,۴ و ۱۶,۵ آمده است:

« قراردادی مکلف است تا نیروی کاری را که از افغانها استخدام میکند، کمتر از ۵۰ فیصد نباشد و مکلف است تا به اساس تعداد مستخدمین خود اعم از افغانها و یا غیر افغانها و یا فیصدی آنها را در نظر داشت ملیت های شان به ارگان‌های بالاتر خود راپور دهند. « (شرط فرعی شماره ۱۶,۴)

« تمام قراردادی‌ها مکلف هستند تا در صورت شروع کار تمام پروژه های تحت پلان یا تحت کار، ۵۰ فیصد از افراد خارجی کشورهای امریکایی و کشورهای قراردادی جهت پیشبرد کار پروژه استخدام نمایند.»

« همچنان قراردادی‌ها شاید نیروی کار، کارگران، وسایل ضروری که برای پیشرفت کارها در نظر گرفته میشود را به داخل افغانستان وارد نمایند. البته باید پیش از آن مطمئن شوند که مستخدمین آنها که پرسونل اداری و مسلکی و کارگران می‌باشند دارای ویزا و مجوز کار هستند یا خیر؟ « (شرط فرعی شماره ۱۶,۵)

“Section (IV)
Sub – Clause 16.4
Sub – Clause 16.5
Page 19 of 73 “

معاش دریوران خارجی که به افغانستان آمده اند، ماهوار ۸۰۰ دالر تا ۱۲۰۰ دالر امریکایی (یک دالر معادل ۴۳ افغانی در آن زمان) در حالیکه معاش یک دریور افغان در آن زمان ۳۰۰ تا ۵۰۰ دالر بوده است. همچنان کارگر افغانستانی با معاش ماهوار ۶۰۰۰ افغانی تا ۹۰۰۰ افغانی در حالیکه کارگران خارجی معاشات ۵۰۰ دالر تا ۸۰۰ دالر اخذ مینمودند. در سطوح بالا، سوپروایزر عمومی این بخش بنام استیویان (Steven Yahn) امریکایی که از طرف لويس برجر مسئول نظارت بوده است، معاشی بالغ بر ۲۵۰۰۰ دالر امریکایی داشته و در طول مسیر سرک هرات قندهار که از طرف کمپنی لويس برجر به چهار سیکشن (بخش) که از پل پشتون هرات تا پل گریشک هلمند تقسیم گردیده بود، برای هر سیکشن مربوطه یک سوپروایزر با همین معاش ۲۵۰۰۰ دالری استخدام شده بودند.

معاش انجینیران افغانستانی شامل در پروژه بین ۱۰۰۰ دالر تا ۲۵۰۰ دالر نظر به موقوفهای قراردادی شان متفاوت پرداخت گردیده، در حالیکه انجینیران خارجی مستخدم شده درین پروژه بین ۸۰۰۰ دالر تا ۱۶۰۰۰ دالر معاش گرفته اند.

بخش پنجم سند مرتبط است به پلانهای انکشافی دفتر لويس برجر، توضیح این مسایل بخوبی نشان می دهد که امیرالیستها جز اهداف غارتگرانه چیزی را در افغانستان نمی خواهند.

پلان انکشافی لويس برجر، به توضیح پنج بخش جداگانه خویش پرداخته که به نحوی میخواهد وانمود سازد برای "بازسازی" افغانستان کمر بسته است. مسایل فوق بخوبی بیانگر آنست که اشغالگران امریکایی برای غارت و چپاول، افغانستان را با شرکایش یکجا اشغال نموده است. اینجاست که غارت با نام بازسازی جا زده می شود.

۵) پلان های انکشافی دفتر لويس برجر (LBG)

- ۱) پخته کاری ۷۰۰۰ کیلومتر شاهراههای اصلی، سرکهای فرعی داخل کشور
- ۲) پروژه های آبیاری، آبرسانی، مکاتب و کلینیک در قریه جات
- ۳) اعمار بندهای آب گردان
- ۴) سیستم بانکی در افغانستان
- ۵) کارهای اداری لويس برجر

اهداف پلان های انکشافی :

(۱) در زمینه ۷۰۰۰ کیلومتر شاهراه های اصلی پلان و اهداف ذیل در نظر است:

- a. کنترل منظم اوضاع سیاسی در قراء و قصبات افغانستان
- b. منبع درآمد و عایدات برای ۵۰ فیصد کارمندان خارجی که در کشورهایشان بیکارند.
- c. رشد صنعت و تکنالوژی از مفاد عایداتی پروژه های وسیع افغانستان
- d. سهولت رفت و برگشت عساکر آیساف و امریکا
- e. سهولت انتقالات هرچه سریعتر تمام اسلحه جات ثقیل و سبک
- f. انتقال سریع پپ لاین گاز ترکمنستان - بحر هند
- g. پایین آمدن سطح استهلاک عراده جات نظامی و غیر نظامی نیروهای خارجی
- h. انتقال عساکر نظامی در پایگاه ها و قرارگاه هایشان و همچنان در شرایط بروز جنگ های سیاسی در شرایط لازم.
- i. استخراج معادن، استحصال مواد طبیعی و انتقال بلاوقفه آنها
- j. واردات سریع مواد پخته کشورهای اروپائی و انگلستان و امریکا

اشغالگران امریکای در « اهداف پلان های انکشافی » خویش بطور دقیق اهداف اشغالگران خویش را بیان نموده اند. یازده ماده که در فوق زیر نام « پلان های انکشافی » مطرح شده در حقیقت پلان های غارتگرانه منابع طبیعی افغانستان و خوار و به انقیاد در آوردن عام و تام مردم ستم دیده کشور نهفته است. هر گاه خواننده به هر یک از یازده ماده فوق الذکر دقیق شود می تواند اهداف پلید و شوم امپریالیست های اشغالگر را بخوبی ببیند. اشغالگران و بخصوص اشغالگران امریکای خیلی رک و صریح اهداف شان را در افغانستان بیان نموده اند.

مطالب فوق الذکر چهره کاذب خائنین ملی را نیز افشاء می نماید. بخصوص تسلیم طلبانی که اهداف غارتگرانه اشغالگران را "باز سازی"، "دموکراسی"، "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان از قید اسارت" می خوانند.

(۲) پروژه های آبیاری، آبرسانی، مکاتب و کلینیک های قریه جات:

این پروژه ها جهت تشویق بهتر مردم برای پذیرش موجودیت نیروهای امریکایی و آیساف در داخل کشور سر دست گرفته شده و تا فعلا ۱۵۰ باب مکتب و کلینیک اعمار گردیده است. مصارف در نظر گرفته شده برای این پروژه ها قرار ذیل است:

ساختن مکاتب = \$ ۴۰۰۰۰ (چهل هزار دالر)
کلینیک ها = \$ ۳۲۰۰۰ (سی و دو هزار دالر)
جوی ها و کانال های آبیاری = \$ ۱۰۰۰۰ (ده هزار دالر)
شبکه های آبرسانی از کاریزها به قریه جات = \$ ۱۵۰۰۰ (پانزده هزار دالر)

افغانستانی ها ضرب المثل مشهوری دارند: "هیچ گربه ای برای خدا موش نمی گیرد" مطالب مطروحه مشخص میسازد که طرح پروژه ها و ایجاد انجوها برای چیست؟ انجوها وسیله ای است برای ارتباط دادن مردم زحمتکش با اشغالگران و تبلیغ برای جا انداختن اشغالگران در قراء و قصبات افغانستان.

باید با تمامی نیروهائی که تلاش دارند توده ها را به جهت انقیاد و تسلیم طلبی سوق دهند، مبارزه کرد و نقش خاینانه شان را خنثی ساخت.

۳) اعمار بندهای آب گردان:

"هدف اصلی اعمار بندها یا ترمیم بندهای آب گردان در ابتدا متوجه ایران خواهد بود و هدف کلی از این پلان عبارت است از تحریم اقتصادی ایران و منع عبور آب رودخانه های داخل کشور افغانستان به داخل کشور ایران، طوریکه تمام آب های جاری رودخانه های هریرود، هلمند، فراه رود و نیمروز که به شکلی از اشکال به داخل ایران سرازیر میشود، باید بصورت کل جلوگیری شده و آب جاری رودخانه بالای ایران قطع شود و جهت تطبیق این پلان، بند کجکی بالای دریای هلمند کار آن بصورت ضربتی آغاز یافته که ۱۵ فیصد کار آن تا فعلا [۲۰۱۵ میلادی] پیش رفته است. " (ترجمه به نقل از اصل)

دیده میشود که در پشت اعمار بندهای آب گردان اهداف سیاسی اشغالگرانه امپریالیست ها برای تحریم ایران و تحت فشار قرار دادن رژیم آخوندی ایران نهفته است، نه سهولت برای کشاورزی افغانستان؛ امپریالیست ها میخواهند ظاهراً همدردی شان را با مردم افغانستان نشان دهند در حالیکه برای غارت و چپاول، افغانستان را اشغال نموده اند.

۴) سیستم بانکداری در افغانستان:

"پلان بانکداری در افغانستان یک استراتژی پلان بوده تا سرمایه های دورانی که از کشورهای دیگر به افغانستان سرازیر شده است تحت کنترل نیروهای آیساف و امریکا درآید تا از هر گونه مصادره سیاسی جلوگیری شود. " (ترجمه به نقل از اصل)

موضوع طرح شده فوق بخوبی بیانگر آنست که اشغالگران امریکایی خواهان تسلط و کنترل مطلق اقتصاد افغانستان هستند.

۵) کارهای اداری دفتر لویس برجر (LBGI) :

« در زمینه کارهای اداری خصوصا در زمینه کارهای کامپیوتری هر گونه تایپ و پرنٹ اسناد زبان فارسی در داخل و خارج از دفتر و کمپ لویس برجر، در ساعات رسمی و غیر رسمی کاملا ممنوع است. بدین اساس تمام پروگرام‌های زبان فارسی از تمام کامپیوترهای شعبات توسط مدیریت IT کنترل و از طرف نیروهای نظامی امریکا قید گردیده و اجازه استفاده داده نخواهد شد.

پروگرام‌های زبان فارسی قفل میباشد و همچنان در زمینه پروگرام‌های انترنتی باز نمودن هر گونه سایت زبان فارسی جرم سیاسی شمرده خواهد شد.

در زمینه کارهای تایپ زبان انگلیسی فقط و فقط به زبان‌های ذیل تایپ انگلیسی که خوانا باشد و هیچگونه مجهولات در آن درج نباشد اجازه فعالیت داده میشود. این زبانها رسمی قرار ذیل هستند:

زبان استرالیائی، برازیلی، کانادائی، کارابین، هونگ کونگ SAR، تیکزاس، اندونزیا، آیرلند، جامیکا (Jamica)، مالیزیا، نیوزیلند، فیلیپین، سنگاپور، آفریقای جنوبی، توباگو، انگلستان (UK)، و زبان ایالات

متحده امریکا (USA). « (ترجمه به نقل از اصل)

بیان مطلب فوق بخوبی بیانگر آنست که اشغالگران امپریالیست و بخصوص اشغالگران امریکایی تاکید بر انقیاد کامل مردمان کشور تا سرحدی دارند که افغانستانی هائی که با پروژه‌های شان کار می کنند باید به این انقیاد تن دهند و در این مسیر طوری گام برداشته که در «داخل و خارج از دفتر و کمپ لویس برجر در ساعات رسمی و غیر رسمی» به زبان فارسی هیچ اسنادی را تایپ و پرنٹ نکنند. موضوع فوق بخوبی می رساند که اشغالگران امریکایی می خواهند که بر مسایل فرهنگی نیز تسلط و کنترل داشته باشند. در غیر این صورت مجرم سیاسی محسوب می گردند. انجوها بخوبی این مطلب را می دانند و آگاهانه در این مسیر گام بر می دارند.

نتیجه گیری نهائی:

در اهداف فوق دیده میشود که طرح و تطبیق پروژه‌ها بخاطر به اصطلاح تشویق بهتر مردم برای پذیرش موجودیت نیروهای امریکایی و آیساف در داخل کشور، روی دست گرفته شده است تا نقش فریب کارانه و

اشغال‌گرانه آنها کمک بین المللی خوانده شود و استبداد مستعمراتی - نیمه فئودالی حاصله از تجاوز عریان امپریالیستی، لقب دموکراسی را بخود اختیار نماید.

امپریالیست‌های اشغالگر از طریق دامن زدن به چنین ایده‌ای است که میخواهند حضور اشغال‌گرانه‌شان را در افغانستان توجیه نمایند. در حالیکه مبرهن است که امپریالیزم دارای خصایلی است که نمیتواند متجاوز و اشغالگر نباشد. انحصارگرائی اقتصادی از طریق کمپنی‌های خصوصی از قبیل لویس برجر، خصلت ویژه امپریالیزم را در مورد تسلط انحصارها بعنوان اساس اقتصادی برجسته میسازد و چنین خصوصیتی است که ماهیت ذاتی نظام امپریالیستی را بعنوان نظام غارتگر جهان تثبیت میکند.

حالا بطور نمونه در نظر بگیریم که اگر اکثریت مردمان افغانستان با طرح و تطبیق پروژه‌های امپریالیستی موافقت نشان دهند و خواهان حضور این نیروها در کشورشان باشند، که نیستند، آیا ماهیت اشغالگری قوت‌های نظامی امپریالیست‌های امریکایی و شرکاءشان در افغانستان تغییر می کند؟ خیر. زیرا این امر در اساس مربوط به ماهیت امپریالیستی این نیروهاست و همین ماهیت ذاتی امپریالیزم است که متجاوز بودن و اشغالگر بودن آنها را تعیین میکند ولو اینکه اکثریت مردمان کشور بنا به هر دلیلی خواهان حضور آنها در افغانستان باشند، که نیستند.

امپریالیست‌های اشغالگر امریکایی خود اذعان میکنند که لشکرکشی‌شان به افغانستان حلقه‌ای از حلقات " کارزار جهانی ضد تروریسم " است چیزی که دونالد ترامپ در اعلام استراتژی خود در مورد افغانستان و جنوب آسیا نیز تاکید نموده است. این حلقه دارای همان ماهیتی است که کل زنجیر "کارزار جهانی ضد تروریسم" را در بر میگیرد.

اگر " کارزار جهانی ضد تروریسم " را به مثابه یک " کلیت " در نظر بگیریم، حلقه لشکر کشی به افغانستان جزئی از آن " کلیت " به حساب خواهد رفت. این " کلیت " یعنی " کارزار جهانی ضد تروریسم " بخاطر ابقاء و تحکیم نظام امپریالیستی جهانی و حفظ و تحکیم سرکردگی امپریالیزم امریکا به مثابه ابرقدرت برتر جهان و حفظ هژمونی امپریالیزم امریکا به راه انداخته شده است.

لشکر کشی به افغانستان حلقه مهمی ازین " کارزار جهانی " امپریالیستی است که ماهیت آن نه دموکراسی بلکه استبداد مستعمراتی - نیمه فئودالی حاصله از تجاوز عریان امپریالیستی است. این لشکر کشی دارای ماهیتی است که نمیتواند کمک بین المللی به حساب رود بلکه برعکس ماهیتی کاملاً غارتگرانه، چپاولگرانه و اشغالگرانه را داراست.